

خیابانی به نام خیابان شاد، نقطه‌ای برای رسیدن به شهر شاد

یاسر حاتمی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۸/۷

چکیده

شهر شاد یکی از موضوعاتی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از متخصصان شهری قرار گرفته است. و باید گفت که موضوع شادی در فضای شهری در حال تبدیل شدن به یکی از توقعات فضاها‌ی شهری است. از دیدگاه مونگومری، شادی یک کانسپت و مفهوم نامشخص نیست بلکه معادله‌ای تعریف شده و قابل اندازه‌گیری است و مستقیماً تحت تاثیر محیط ساخته شده پیرامون انسان است. موضوع شهر شاد در کشور ما هنوز به اندازه اهمیت آن جا نیفتاده است به طوری که بر اساس پژوهش‌های انجام شده در طول سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۷ سطح شادی در ایران در بین ۹۷ کشور در رتبه پنجاه و ششم است. امروزه شهر همدان با توجه به مشکلات اقتصادی و نرخ نسبتاً بالای بیکاری و مشکلات دیگر نیاز بیش از پیشی به ایجاد شادی و بالاتر بردن روحیه‌ی جمعی دارد و اگر این شهر تصمیمی برای حرکت در جهت رسیدن به اهداف شهر شاد نگیرد با یک فاجعه‌ی اجتماعی تحت عنوان شهر افسرده همدان مواجه می‌شود. در این راستا پژوهش حاضر با بررسی عوامل تاثیرگذار عواطف در حس شادی سعی بر آن دارد تا گام مثبتی در جهت رسیدن به اهداف شهر شاد بردارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از نوع کمی و مبتنی بر تحقیقات پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل استفاده‌کنندگان از دو فضای محور پاستور و پیاده‌راه بوعلی سینا همدان می‌باشند که با استفاده از فرمول جامعه‌نا معلوم در محور پاستور برابر با ۳۰۰ و در پیاده‌راه بوعلی سینا برابر با ۳۸۵ نفر انتخاب شده‌اند برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار Amos به طراحی مدل معادله ساختاری (SEM) Structural equation modeling پرداخته شده است و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان عواطف مثبت در پیاده‌راه بوعلی سینا نسبت به محور پاستور بسیار بالاتر بوده و این موضوع بی‌ارتباط با نوع طراحی فضای هر دو محور نمی‌باشد. که در این پژوهش پیشنهادهای ارائه شده است.

واژگان کلیدی

حس شادی، شهر شاد، شاخص‌های شادی، عواطف مثبت و منفی، SEM

بیان مسئله

شهر های ما با چه هدفی مدیریت می شوند؟ در چه مسیری قرار دارند؟ بهبود مسکن، حمل و نقل، ثروت و اقتصاد و ...؟ تمامی این اهداف و مؤلفه ها به اندازه ی کافی با اهمیت هستند و دلیل این اهمیت هم بررسی این شاخص ها در سالها و دهه های گذشته است. اما نگاه ویژه به این مؤلفه ها دلیل افسردگی شهر های ماست. در واقع مدیران و مسئولین شهری ما برای حل مشکلات ازدیاد جمعیت که در دهه های ۶۰ اتفاق افتاد نگاه خود را معطوف به حل مشکلات مسکن، حمل و نقل و غیره کردند که البته نمی توان انتقاد شدید در این دهه ها بر آنها داشت چراکه شرایط ضرب اجل آن دهه ها تصمیم گیری را بیش از هر زمان دیگر سخت کرده بود. اما ما در حال حاضر در سال ۲۰۲۰ میلادی و ۱۳۹۹ قمری زندگی میکنیم و دیگر با آن هجوم افسار گسیخته مهاجرتی به شهر ها با آن شدت مواجه نیستیم و امروز وضعیت متفاوت است اما تفکرات مدیران شهری ما با شرایط زمان تغییر نکرده است. هنوز هم با گذشت زمان شهر های ما به سمت حل مشکلات مسکن و حمل و نقل و دیگر مشکلات جمعیتی در حرکت است و مدیران شهری نگاه کم رنگی به افرادی که در این شهر زندگی میکنند دارند. چرا که همه نیازهای ساکنین یک شهر به نیازهای مازلو ختم نمی شود و نیازهای دیگری نیز وجود دارد که شاید به اهمیت مسکن و حمل و نقل از دیدگاه مدیران شهری نباشد، اما بسیار پیچیده تر و نگران کننده تر است؛ نیازهایی چون نیاز به شاد بودن و زندگی در مکانی شاد بودن. شهر باید به گونه ای طراحی و برنامه ریزی شود که ساکنان را شاد تر کند. از دیدگاه مونتگومری، شادی یک کانسپت و مفهوم نامشخص نیست، بلکه معادله ای تعریف شده و قابل اندازه گیری است و مستقیماً تحت تاثیر محیط ساخته شده پیرامون انسان است. شهر شاد بیانگر راهبرد اصلی مونتگومری است که بالاترین سطح رضایت انسانی در کارکردن و بازی کردن با دیگران نهفته است. باید به یک نکته کلیدی که مونتگومری هم اشاره میکند توجه داشت که با تحکیم شهرهای مان برای شادی میتوانیم با چالشهای میرم قرن حاضر مقابله کنیم. آرام و شاد زیستن، علاوه بر اینکه یکی از نیازهای اساسی روانی است، ضرورت اجتماعی نیز هست. بر اساس پژوهش های انجام شده در طول سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۷ سطح شادی در ایران در بین ۹۷ کشور در رتبه پنجاه و ششم است (Minkov, 2009 : 163). امروز شهر همدان با توجه به مشکلات اقتصادی و نرخ نسبتاً بالای بیکاری و مشکلات دیگر نیاز بیش از پیش به ایجاد شادی و بالاتر بردن روحیه ی جمعی دارد و اگر این شهر تصمیمی برای حرکت در جهت رسیدن به اهداف شهر شاد نگیرد با یک فاجعه ی اجتماعی تحت عنوان شهر افسرده همدان مواجه میشود. البته باید گفت که مدیریت شهری همدان دانسته یا ندانسته، علمی و یا غیر علمی گام های مثبتی هر چند به اندازه یک قطره در اقیانوس برداشته است و نمی توان احداث و طراحی پیاده راه بوعلی سینا، میدان امام خمینی (ره) و پیاده راه اکباتان را نادیده گرفت. اما هنوز در اول راه است و همچنان نیاز به شادی و کاهش افسردگی در شهر همدان باید جزو اولویت های مدیریت شهری همدان باشد. با این بحث مسئله اصلی این پژوهش چگونگی رسیدن به مؤلفه های شهر شاد و کاهش میزان این سطح از ناامیدی و افسردگی در شهر همدان است که این پژوهش با هدف بالاتر بردن شادی و کاهش افسردگی در شهر همدان سعی دارد تا در رسیدن به شهر شاد گام مثبتی بردارد.

مبانی نظری

عوامل زیادی در ایجاد نشاط اجتماعی و به تبع آن ارتقاء سطح سلامت روانی جامعه موثر است. حیات جمعی فرصتی جهت رها شدن از تنش های زندگی روزمره، گذراندن اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه های مختلف و بستری برای حضور آن ها در فضا ست (Sennett, 1974:215). به اعتقاد کوپر (۱۹۹۷) حضور فضاهای شهری بیش از آن یک سرگرمی باشد یک ضرورت (روان شناختی - جامعه شناختی) است. بر این اساس طراحی و برنامه ریزی فضاهای شهری باید به گونه ای باشد که ضمن افزایش میزان حضور شهروندان و تعاملات اجتماعی آن ها، موجبات بروز هیجان های مثبت در افراد را فراهم سازند. ما باید از مردم بپرسیم که: نیازهای ما برای شادمانی چیست؟ ما نیاز به راه رفتن داریم همانند نیاز پرندگان به پرواز. ما نیاز داریم در کنار هم و دیگر مردم باشیم. ما نیازمند ذهنیت آسوده و مثبت از محیط و ارتباطات با محیط پیرامون و طبیعت و زیبایی و از همه مهمتر نیازمند برابری و عدالت در جامعه هستیم. و پاسخ به این سوال فقط در تمرینات روحی معنوی در جهت شاد زیستن و راه حل های این چینی نیست بلکه پاسخ در وظیفه ای ایست که بر دوش متخصصین و مردم توامان با هم گذاشته شده است. متخصصین با تلاش در جهت برنامه ریزی و طراحی شهری که خود ابزاری برای شادمانی باشد حتی زمانی که رکود اقتصادی بالایی وجود دارد و این مهم میتواند با تغییر شکل و سیستمی که زندگی شهری را تعریف میکند می توان شاد تر زیستن را آموخت و مردم نیز با حمایت و تغییر ذهنیت خود در این مهم. مونتگومری تفکرات نوشهرسازان بیست سال اخیر بویژه اندره دو آنی و پیتر کالتروپ و برخی از پروژه های آنها را بررسی میکند و این سوال را مطرح میکند که آیا محله ای که در آن زندگی میکنیم ما را شاد میکند؟ این یک سوال ساده نیست. مونتگومری ما را تشویق به یافتن این سوال میکند. در این راستا وی دیسنی لند را نمونه فضای شاد می آورد.

دیسنی لند با برند (شادترین مکان روی زمین) در سال ۱۹۵۵ افتتاح شد. درون دیسنی لند حتی امروزه هر جزئیات معمارانه‌ای، هر تجربه‌ای، هر اصلاتی _ از بافت کف سازی تا عطر و رایحه هوا _ در راستای هدف دستیابی به خوشی و شادی طراحی شده است. دیسنی لند بدون تفاوت در اینکه در کجای دنیا متولد شده‌اید به شما این حس را می‌دهد که به خانه آمده‌اید. شادی خانه ایست با تاق‌های بسیار، اما در مرکز آن آتش دانی است که ما با خانواده، دوستان اجتماعی و حتی گاهی غریبه‌ها دور آن جمع می‌شویم تا بهترین بخش خودمان را پیدا کنیم. مونتگومری یک نسخه پایه برای شادی شهری پیشنهاد می‌دهد که از مطالعات فیلسوفان، روانشناسان، متخصصان مغز و اعصاب و کارشناسان اقتصاد شادی استخراج شده است. یک شهر پس از تامین نیازهای اولیه مانند: غذا، مسکن و امنیت باید به چه چیزی دست یابد. شهر بایستی لذت را به حداکثر برساند و از سختی بکاهد. بایستی به جای مریضی ما را به سمت سلامتی هدایت کند. بایستی به ما آزادی واقعی، حرکت و ساخت زندگی که آرزو داریم را ارائه دهد. همچنین به شیوه‌ای عادلانه فضا، خدمات، امکانات و لذت و تفریح سختی و هزینه بین افراد اختصاص دهد. بیشتر از همه، بایستی ما را در ساخت و قوی تر کردن گروه‌های بین دوستان، خانواده‌ها و غریبه‌ها توانمند کند که به زندگی معنا می‌بخشد گروه‌هایی که عالی‌ترین و برترین موقعیت‌ها و فرصت‌ها را ارائه می‌دهند. شهری که سرنوشت مشترک ما را تصدیق میکند و جشن می‌گیرد که درها را بسوی یک دلی و همکاری و تعاون می‌گشاید، به ما کمک خواهد کرد که از عهده بزرگترین چالش قرن معاصر یعنی شادمانی برآییم. هیچ یک از این اهداف ریشه‌ای و بنیادی نیستند. اکنون چالش ما این است که چگونه سیستم‌های شهرهای معاصر میتوانند به هدف شادی دست یابند. بی‌پروای است باور کنیم که شهری می‌تواند تنها با تغییر ساختار، شادی ساز باشد اما در سراسر جهان به خصوص در میان منظره پراکنده مدرن شمال آمریکا، شواهد و مدارک نشان می‌دهد که شهرها به راستی زندگی ما را طراحی می‌کنند. پیام کلیدی علم شادی بیان میکند که مهمترین نکته، داشتن ارتباط با سایر مردم است و این قصه‌ای است که ارزش جستجو را دارد.

شادی

شادی به عنوان یکی از مهمترین عوامل سلامت روانی، از بنیادی‌ترین مفاهیم مطرح در روانشناسی مثبت گرا است (صفری شالی، ۱۳۸۷) و به میزان و درجه‌ای از مطلوبیت گفته می‌شود که انسان بر اساس آن کیفیت زندگی فردی خود را به عنوان یک کل ارزیابی میکند (Veenhoven, 2006). از نظر سامنر شادی، دارا بودن یک نوع خاصی از نگرش‌ها و گرایش‌های مثبت به زندگی است که در آن شکل کاملی از شناخت و عاطفه وجود دارد (Veenhoven, 2006). در تعریف روان‌شناسانه‌ی شادی، میتوان گفت شادی واکنش مثبتی است که در مواجهه با صحنه‌ها و رویدادهای رضایت بخش پدید می‌آید و احساس خوشایندی است که بر اثر دستیابی به آنچه آرزو و انتظارش را داریم پدیدار میگردد (آیزنک، ۱۳۷۵: ۱۷۲). شادی فعالیت فرد را بر میانگیزد، بر آگاهی او میافزاید، خلاقیت وی را تقویت میکند و روابط اجتماعی وی را تسهیل مینماید، شادی همچنین مشارکت سیاسی را رونق میبخشد و موجب حفظ سلامتی و طول عمر افراد میشود (وینه‌هون، ۱۹۹۳). شادمانی و داشتن نشاط، از جمله اساسی‌ترین نیازها و خواسته‌های انسانها است و می‌تواند تأثیرات انکارناپذیری بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد داشته باشد. نشاط، یکی از ابعاد اصلی تجربه است و در برقراری بهداشت روانی و خوشبختی، ایجاد فضای شناختی و رشد آن تأثیرگذار است (Seligman & Danner, 2002: 8). از سویی، برخی شادمانی را کلی و مستمر می‌دانند و آن را به عنوان اینکه یک فرد "به چه میزان زندگی خود را دوست دارد یا به عبارت دیگر، به چه میزانی یک فرد زندگی خود را به عنوان یک کلیت مثبت ارزیابی می‌کند" قلمداد می‌نمایند (Veenhoven, 2006: 1). در این صورت، شادمانی به خوشبختی بسیار نزدیک می‌شود. همان‌طور که پیش از این گفته شد وجود اعتماد بین افراد، پیچیدگی تعاملات اجتماعی را کاهش می‌دهد و یک زندگی امن تر و شاد تر را ایجاد می‌کند. وینه‌هون بیان می‌کند در جوامعی که اطمینان و اعتماد بیشتری فراهم شده، شادی و نشاط نیز بیشتر خواهد بود. وی معتقد است رابطه محکمی بین ایمنی روانی و تأمین قانونی وجود دارد که به طور گسترده‌ای مستقل از رفاه اقتصادی است (Veenhoven, 2006: 17). نانسی استین و تام تراپو سو (۱۹۹۲) معتقدند که چهار هیجان اصلی شادی، غم، خشم و ترس وجود دارد که واکنش به فعالیت‌های اساسی را منعکس می‌کند؛ به عنوان مثال، موفقیت (شادی)، شکست (غم)، ممانعت (خشم) و بلا تکلیفی (ترس) را ایجاد می‌کند (ریو، ۱۳۸۵: ۳۲۷). به اعتقاد وینه‌هون، شادکامی ارزیابی کلی و ذهنی فرد از زندگی خود است که نشان می‌دهد زندگی مطلوب را چه می‌بیند، این زندگی چگونه انتظاراتش را برطرف می‌کند، و غیره (Veenhoven, 2000: 267). زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد (Zingerle, 2000: 466). وینه‌هون، شادمانی را حالتی پایدار که حاصل قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی اش می‌داند و معتقد است که موقعیت اجتماعی بر آن تأثیرگذار است. وینه‌هون در صحبت از این مفهوم در سطح کلان، به کیفیت جامعه - یعنی عواملی چون سلامتی، آزادی و عدالت اجتماعی - اشاره می‌کند و از این رو معتقد است: "سیاست‌های اجتماعی می‌توانند ارتقا

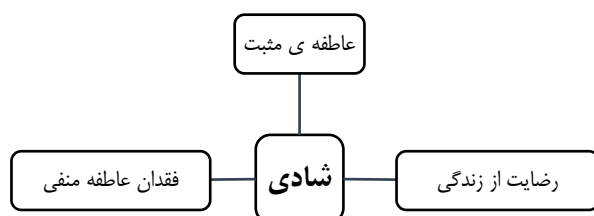
دهنده این شرایط باشند. در سطح میانی، شادمانی را وابسته به کیفیت های نهادی، مانند استقلال در کار یا مراقبت های نهادی می داند و می گوید که اصلاح سازمانی می تواند برخی نهادها را بهبود بخشد و در سطح خرد نیز شادمانی را وابسته به توانایی های شخصی مانند کارآمدی، استقلال و مهارت های اجتماعی، تحصیلات و درمان می داند (Veenhoven, 2005: 61).

شهر شاد

در ضرورت ایجاد احساس شادی در فضای شهری می توان بیان نمود. شادی در هر جامعه ای بر توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تاثیر میگذارد (Li & Lu 2009:3). بازخوانی رویکرد شهر شاد به عنوان رویکرد منتخب این پژوهش که در سال ۲۰۱۳ توسط مونتهگومری ارائه شده است. در ادامه ارائه می شود، این رویکرد در ارتباط با علم روانشناسی محیطی است و از سال ۱۹۷۰ با مطالعات استنلی میلگرام و با مقاله تجربه زندگی در شهر ها از مطالعات روانشناسی اجتماعی منتج شد. (صفاری نیا، عماری و بهشتی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۲). این رویکرد سابقه نسبتا نو در شهر سازی دارد و توجه اصلی آن به موضوع زندگی اجتماعی است. اقدامات پنالوسا شهردار بوگاتا، از جمله نخستین اقدامات قابل بحث در افزایش شادی در شهر بوده است. این اقدامات در شرایطی اتفاق افتاد که آمار خودکشی افزایش یافته بود. در سال ۲۰۰۷ شهردار اصرار داشت که شرایط را تغییر بدهد، وی در وعده های انتخاباتی خود شادی در شهر را به مردم وعده داد. در نهایت وی تبدیل به یکی از چهره های شاخص در سراسر جهان در جنبش (شهر شاد) شد که بدنبال تغییر ساختار و روح شهرها بود (Montgomery, 2013,3). به طور کلی این رویکرد در پی افزایش هر آنچه خوب است و حذف و یا کاهش هر آنچه منفی است، گام بر می دارد: اما شهر شاد از ایجاد آزادی، فضاهای عمومی غنی، افزایش اوقات فراغت و ایجاد خیابان های امن به وجود می آید (Ibid:271).

تبیین شاخص های شادی

جهت تدوین شاخص ها، پس از مطالعه متون مرتبط در حوزه شادی، شاخص های مربوط به مفهوم شادی بر اساس دیدگاه نظری آرگایل و همکاران (۱۹۹۵) و مطالعات پژوهشی دینر ساح و اویشی (۱۹۹۷)، کار (۲۰۰۴) آیزنک (۱۳۷۵) و غیره شناسایی شد. نظریه پردازان در تحلیل مفهوم شادی به دو مؤلفه ی شناختی و عاطفی اشاره نموده اند. مؤلفه ی شناختی بر رضایت فرد (ارزیابی فرد مبتنی بر استانداردهای ذهنی اش) و مؤلفه های عاطفی بر توازن لذت (تعادل بین هیجانات مثبت و منفی) اشاره دارند (Diener, 2000). به طور کلی از جمع بندی تعاریف مختلف درباره شادی میتوان استنباط کرد که شادی سه جزء اساسی دارد که عبارتند از: عاطفه ی مثبت، رضایت از زندگی و فقدان عاطفه منفی که هر یک از مؤلفه ها طی فرایند شاخص سازی شامل خرده مؤلفه هایی می شوند.



نمودار ۱- اجزاء تشکیل دهنده حس شادی. منبع: نگارنده

عواطف مثبت و منفی

مفهوم عاطفه تا سال ۱۸۵۰ میلادی در فرهنگ لغت آکسفورد وجود نداشته است. هر چند قبل از آن واژه های ترس، خشم، عشق و ... وجود داشته است اما آنها در قالب مقولهی وسیعتر عاطفه نمی گنجدند (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). توجه به عواطف، به ویژه عشق، بعد از رشد سرمایه داری و سبک زندگی بورژوازی رونق گرفت. خانواده های بورژوازی توجهی ویژه ای به عواطف از خود نشان دادند (اعزازی، ۱۳۸۹). عاطفه بعدها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به بستری برای مطالعات روانشناختی و روانکاوی تبدیل گشت. در ربع قرن آخر قرن بیستم عاطفه وارد حوزه ی مطالعات جامعه شناختی گشت (مقدس و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۴۵ " کیانیپور، ۱۳۸۸: ۳۵). امروزه عاطفه در حوزه های گوناگون علوم انسانی و علوم عصبی و شناختی مورد مطالعه قرار میگیرد و زمینه های تحقیقاتی جدیدی را میکاود. بعد عاطفی شادی که جمع جبری حضور عواطف مثبت و غیاب عواطف منفی در زندگی است به (مطلوبیت) منهای (عدم مطلوبیت) زندگی هیجانی فرد اشاره دارد (Diener, 1993). خصیصه ی مثبت، تمایل به درگیری و رویارویی با محیط از جمله محیط اجتماعی را شامل می شود. افراد دارای (عاطفه مثبت بالا) همراهی با دیگران را جستجو میکنند و کاملا در تعاملات اجتماعی خود از اعتماد و رضایت برخوردارند. از سوی دیگر افراد دارای (عاطفه مثبت پایین) تو دار و از لحاظ اجتماعی گوشه گیرند و در کل نسبت به درگیر شدن فعالانه با محیط شان تردید دارند (بخشی پور و دژکام، ۱۳۸۴: ۳۵۳). کاهش عاطفه منفی منجر به یک حالت آرامش می گردد و عاطفه مثبت با فعالیت و رضایت اجتماعی و نیز با فراوانی رویدادهای خوشایند مرتبط میباشد (بخشی پور و

دژکام، ۱۳۸۴: ۳۵۴). تجربه کردن شادی یکی از رایج ترین روش هایی است که بدان وسیله افراد شاد کامی را تعریف می کنند. پژوهش نشان می دهد که سرور یکی از سه جزء اصلی شاد کامی است و دو جزء دیگر آن عبارتند از رضایت زندگی و فقدان عاطفه منفی سرور جنبه هیجانی شادی است و رضایت جنبه شناختی آن. اگر بخواهید بدانید چند هیجان مثبت وجود دارد و این هیجانها چگونه توسط چهره و صدا بروز میکند و نیز به موقعیت و فعالیتهای که آنها را بر می انگیزد توجه کنید (آرگایل، ۱۳۸۲: ۱۹۱). تجربه عاطفه مثبت مردم چندین خلق منفی دارد (خشم، اضطراب، افسردگی و ...) اما در واقع فقط یک خلق مثبت را که معمولا تحت عنوان شادی و سرور از آن نام برده میشود گزارش می کنند. خلق حالات هیجانی نسبتا بادوام تلقی می شود. در پژوهش های مربوط به هیجانها و حالات خلقی مثبت معلوم شده است که این حالات و هیجانها شامل احساسات لذت بخش رهایی و اعتماد به نفس هستند. علاوه بر این احتمال تقویت رخدادهای مثبت و یا منفی وجود دارد. کمپر پس از مرور مطالعات عاطفه نتیجه میگیرد که چهار عاطفه اصلی و اولیه وجود دارد: ترس، عصبانیت، شادی / رضایت، و ناراحتی / افسردگی. این عواطف می توانند به ترکیبات و اشکال پیچیده تری بسط یابند و عواطف پیچیده تر و مهمی مانند احساس گناه، شرم، افتخار، حسادت، و عشق را تشکیل دهند. کمپر استدلال میکند که عاطفه های اولیه، دارای اساسی عصبی زیست شناختی و تکوینی هستند؛ چرا که آنها برای بقا لازمند (Turner, 2003: 441-2). فکر کردن و هم صحبتی با دیگران راجع به وقایع مثبت، باعث خلق مثبت میشود (آرگایل و مارتین، ۱۹۹۱). مطالعات نشان داده است که مردم چگونه از طریق گفتن وقایع مثبت به دیگران، جشن گرفتن این وقایع یا به واسطه فکر کردن راجع به آنها این واقعیت را تقویت میکنند و این کار عاطفه مثبت و رضایت از زندگی را افزایش میدهد (آرگایل، ۱۳۸۲: ۴۵). با توجه به پژوهش و مطالعات صورت گرفته در حوزه عواطف مثبت و منفی و نظریات آرگایل در خصوص تاثیر این عواطف بر حس شادی که در این بخش آورده شد. عوامل و شاخص های تاثیرگذار بر حس شادی در بعد عاطفی را در جدول زیر مورد شناسایی قرار دادیم.

جدول ۱- عوامل و شاخص های تاثیرگذار بر حس شادی در بعد عاطفی - منبع: نویسندگان

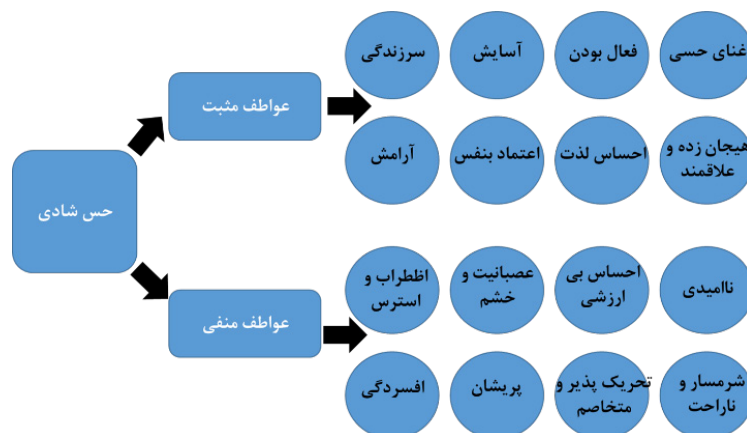
| شاخص ها | تعاریف | منابع |
|---------------------|---|--|
| سرزندگی | خصوصیاتی که مکان را برای شهروندان قابل زندگی کند | Rosemary Kennedy, 2010: 2 |
| آسایش | آسایش محیطی از مؤلفه های مهم محیط های انسان ساخت | لینچ، ۱۳۷۲ |
| فعال بودن | فعالیتها اساس ساختار یک فضا هستند. | Lang, 2000 Seifae, 2005 Rastbin et.al, 2012 Pakzad, 2006 |
| غنای حس | اطلاعات تفسیری مغز و در نهایت یک تجربه کامل و قابل درک از محیط | Bell, 1998 Bundy et.al, 2002 Grahn, Stigsdotter, 2010 |
| آرامش | آسایش فیزیکی و روانی، که می توانند حس آرامش را بوجود بیاورند | اسفندیاری، ۱۳۹۳ |
| اعتماد بنفس | مفهوم اعتماد بنفس از یک سو متأثر از شرایط محیطی و وضع زیست شناختی افراد ارتباط دارد و از سوی دیگر با شناخت ها و ویژگی های شخصیتی افراد مرتبط است. | ایمان زاده، علیپور، ۱۳۹۸ |
| احساس لذت | لذت حالت خوش نفسانی فرد است که در اثر دستیابی به مطلوب حاصل می شود | Aristotle, 1995, p. 240-241 |
| هیجان زده و علاقمند | تا وقتی کسی هیجان را تعریف نکرده فکر میکند معنای آن را میدانند. هیجانی که احساس میکنیم تعبیر و تفسیر ما از حالتها برانگیختگی است. | کالات، جیمز، یحیی سیدمحمدی، ۲۰۰۷، ص ۱۷۶ Schechter – Singer |
| اضطراب و استرس | استرس واکنش نامشخص بدن به هر نوع درخواست تحمیلی بر آن است. | Selye, 1974 Chrousos & Gold, 1992:1244-1252 Brand, et., al, 2000:291-98 Cohen, et., al, 1986: p.248 Kaplan, 1995 Stilgoe, 2001 Kuo & Sullivan, 2001:543-71 |

| | | |
|---|---|---------------------|
| (Averill,1983:1149, Spielberger,et.al, 1995:41 | خشم به صورت یک حالت هیجانی درونی با افکار ناخوشایند با فراوانی و شدت متغیر تعریف میشود. | عصبانیت و خشم |
| (کانهام،۲۰۱۵). | وضعی اجتناب ناپذیر یا سرنوشتی تغییر ناپذیر به احساسات ناخوشایند از جمله افسردگی، ناامیدی پوچی و تنهایی دچار میشود | ناامیدی و افسردگی |
| مارچند و بلانس،۲۰۱۰) | پیشانی حالات ذهنی ناخوشایند افسردگی، اضطراب و استرس است که هر سه علائم هیجانی و فیزیولوژیکی را دارند | پیشانی |
| Miller NE,1941 Fida.et.al,2012:38 American Psychiatric Association; 2013 | تحریک پذیری به عنوان تمایل به واکنش به احساسات پرخاشگرانه، تکانش گری، خصومت طلبی و رفتارهای ناکامی در عدم توافق تعریف شده است | تحریک پذیر و متخاصم |
| فیشر و اکسلاین،۲۰۰۶، تانگنی و درینگ،۲۰۰۲ | احساس گناه و شرم احساس های خود تنبیهی دردناکی هستند که به ترتیب بر رفتارها یا عیوب شخصیتی تمرکز دارند | شرمسار و ناراحت |

پیشینه تحقیق

در سال های معاصر حجم وسیعی از پژوهش ها به تبیین مفهوم شادی و علل و پیامدهای آن پرداخته اند. آرگایل و کروسلند (۱۹۸۷) شادکامی را دارای سه بخش مهم دانسته اند: فراوانی عاطفه مثبت یا احساس خوشی، میانگین سطح رضایت در طول یک دوره و نداشتن احساس منفی. علاوه بر این پژوهش آرگایل و لو (۱۹۹۰) نیز نشان میدهد که شادکامی با روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی ارتباط دارد. به باور آرگایل (۲۰۰۱) بودن با دیگران و دست یافتن به فعالیت های مفرح میتواند سطح نشاط و شادابی را افزایش دهد. ری دیک و استوارت (۱۹۹۴) در مورد ۶۰۰ زن سیاه پوست و سفید پوست بازنشته آمریکایی تحقیق کردند و دریافتند، زنانی که فعالیت های تفریحی بیشتری داشتند از بهداشت روانی بالاتری برخوردار بودند. رابینسون (۲۰۰۳) معتقد است که روابط اجتماعی اثر بسیار زیادی بر شادی فرد دارد. اجتماعی بودن یکی از راه های رسیدن به شادی است و هرچه فعالیت های اجتماعی بیشتر باشد، افراد شاد تر هستند. آلن جیکوبز و داندل اپلیارد در سال (۱۹۸۷) با انتشار مقاله (بسوی یک بیانیه طراحی شهری) شادی را جزئی از مجموعه کیفیت های لازم فضای شهری فهرست نمودند (گلکار، ۱۳۸۰: ۴۵). از نظر تیبالدز نیز در یک طراحی شهری واجد کیفیت مطلوب لازم است که در ارتقاء پیچیدگی، شادی بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط تلاش گردد (گلکار، ۱۳۸۰: ۴۵). هزارجریبی و آستین فشان (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر شادمانی اجتماعی با تأکید بر استان تهران" با نمونه ای شامل ۲۰۰۰ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در استان تهران نشان دادند که احساس شادمانی در بین ۱۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و بسیار کم می باشد و در مقابل ۲۸ درصد پاسخگویان از احساس نشاط بالایی برخوردار هستند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می دهد سه متغیر امید به آینده، ارضاء نیازهای عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته اند ۵۳/۷ درصد تغییرات شادمانی اجتماعی را تبیین می کنند. همچنین، امید به آینده با بتا ۰.۳۰ بیشترین تاثیر را بر شادمانی اجتماعی داشته است. روستین (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان "فساد، شادی، اعتماد اجتماعی و دولت رفاه" نشان داد که بین خوشبختی فردی و رفاه عمومی با دو متغیر میزان فساد و سطح اعتماد اجتماعی در جامعه رابطه وجود دارد. همچنین، بیان داشت که در کشورهای با برنامه رفاه عمومی و گسترده، میزان فساد پایین، سطح اعتماد اجتماعی زیاد و سطح شادی و خوشبختی اجتماعی بالاست و برعکس، کشورهای با سیستم رفاه کوچکتر به فساد بیشتر و سطح پایینتر اعتماد اجتماعی و خوشبختی اجتماعی میل می کنند. برخی از محققان از جمله داینر، سو، لوکاس و اسمیت (۱۹۹۹) چنین گزارش کرده اند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شاد ترند، اما مایرز (۲۰۰۰) چنین بیان می کند که بین سطح درآمد و شادی در میان مردم آمریکا، کانادا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد. در سطح ملی و بین المللی نیز درباره وضعیت اقتصادی کشورها و میزان شادمانی مردم آنها تحقیقاتی شده است.

نمودار ۲- عوامل و شاخص‌های تاثیرگذار بر حس شادی در بعد عاطفی



روش تحقیق

در خصوص انتخاب روش تحقیق در این پژوهش باید گفت که پژوهش‌هایی که در گذشته در این حوزه صورت گرفته است عموماً از طریق معادلات کمی و آزمون‌های صورت گرفته از طریق SPSS و معادلات رگرسیونی بوده است مانند مطالعات هزارجریبی و آستین فشان در سال ۱۳۸۸. که عموماً این نوع از روش‌های مطالعات قادر به کشف متغیرهای پنهان در بررسی‌ها نیستند. نوآوری این پژوهش در این بخش استفاده از مدل معادله ساختاری Structural equation modeling (SEM) است که یک ساختار علی خاص برای کشف متغیرهای پنهان استفاده شده است. دلیل استفاده از معادله ساختاری (SEM) این است که تحلیل داده‌ها بر اساس روش معادلات ساختاری (SEM) یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیر قابل مشاهده است که از دو مؤلفه تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی خاص بین متغیرهای پنهان را مشخص میکند و یک مدل اندازه‌گیری که روابطی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف میکند (حبیبی: ۱۳۹۱). مدل سازی معادله ساختاری را میتوان روش کمی تلقی کرد که به پژوهشگر یاری می‌رساند تا پژوهش خود را از مطالعات نظری و تدوین آنها گرفته تا تحلیل داده‌های تجربی، در قالبی چند متغیره سامان بخشد. این مدل پژوهشگر را به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی (تاثیرگذاری مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر به طور یکسویه، دو سویه، مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری سازه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک کرده و بنابراین تحلیل کمی از پدیده‌های کیفی را به لحاظ روش شناختی، دقیق‌تر و به لحاظ کاربردی واقع بینانه‌تر میسازد (Byrne 2013). باید توجه داشت که تمرکز این پژوهش از سه جزء حس شادی که در نمودار شماره ۱ نشان داده شد بر روی دو جزئی که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عواطف منفی و مثبت میباشد. و از این نظر تفاوت زیادی با سایر پژوهش‌ها در این زمینه دارد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از نوع کمی و مبتنی بر تحقیقات پیمایشی میباشد. جامعه آماری تحقیق شامل استفاده کنندگان از دو فضای محور پاستور و پیاده راه بوعلی سینا شهر همدان میباشد که با استفاده از فرمول جامعه نامعلوم در محور پاستور برابر با ۳۰۰ و در پیاده راه بوعلی سینا برابر با ۳۸۵ نفر انتخاب شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز از این حجم نمونه از طریق پرسشنامه‌ای که با استفاده از مؤلفه‌های مورد نیاز در این پژوهش در خصوص عواطف منفی و مثبت در مقیاس لیکرت تنظیم شده است جمع‌آوری گردیده است. همچنین باید توجه داشت که اطلاعات مربوط به غنای حسی از طریق روش حس‌گردی صورت گرفته که اولین بار در دهه ۱۹۶۰ صورت گرفته است. در این روش شامل فرم‌هایی از پیاده روی وابسته به حواس است، به این ترتیب که بر تجارب چند حسی ناشی از حضور در یک موقعیت متمرکز است. روند انجام کار به این صورت است که محقق در مسیر پیاده راه بوعلی سینا و خیابان پاستور شروع به پیاده روی میکند و برداشت‌های حسی خود و افراد و استفاده کنندگان از مسیر را برداشت میکند. به این ترتیب روش حس‌گردی را با روش مصاحبه نیز تکمیل میکند. در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار Amos به طراحی مدل معادله ساختاری Structural equation modeling (SEM) پرداخته شده است و مورد تحلیل قرار گرفته است.

شناخت محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه دو محور بوعلی سینا و پاستور شهر همدان میباشد که محور بوعلی سینا تبدیل به یک پیاده راه و محور پاستور تبدیل به یک محور یک طرفه برای خارج کردن ترافیک از گره ترافیکی آرامگاه بوعلی سینا در شهر همدان شده است. همچنین موقعیت هر دو محور در آرامگاه بوعلی سینا میباشد و از نظر مکانی شرایط یکسانی را دارند.

نقشه ۱- موقعیت دو محور بوعلی سینا و پاستور در شهر همدان



سنجش و ارزیابی

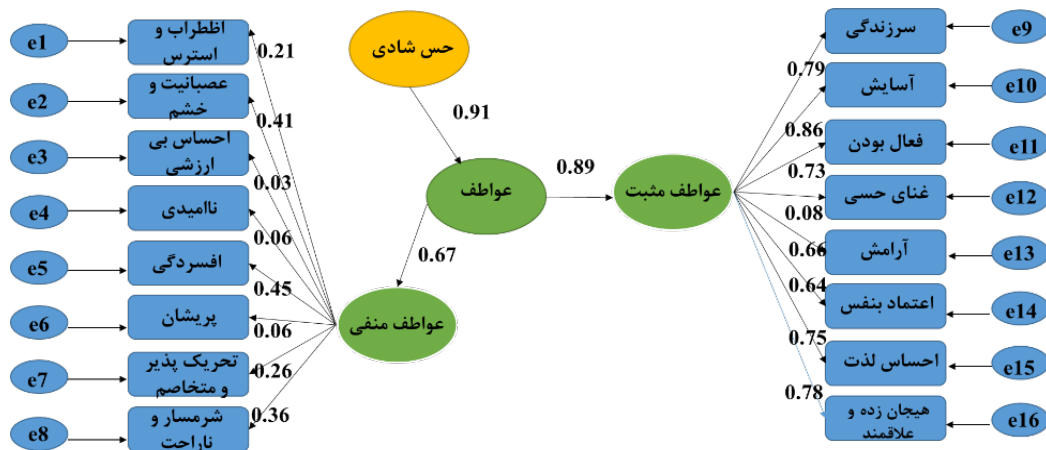
باید توجه داشت که در این مرحله از پژوهش به ارزیابی و مقایسه هر دو محور پیاده راه بوعلی سینا و پاستور شهر همدان از نظر میزان شادی و انتقال حس شادی به استفاده کنندگان از این دو محور میباشد. مقایسه این دو محور دلیل انتخاب این دو محور نیز بدلیل انتخاب دو راهبرد متفاوت از سوی مدیریت شهری شهر همدان برای این دو محور میباشد که یکی در جهت پیاده محوری (پیاده راه بوعلی سینا) و دیگری در جهت سواره محوری و صرفاً راهبرد ترافیکی (خیابان پاستور) شهر همدان میباشد.

بررسی میزان عواطف مثبت و منفی شهروندان در پیاده راه بوعلی سینا

در این مرحله با توجه به تاثیرگذاری بسیار موثر عواطف بر حس شادی در شهروندان به بررسی این مؤلفه در پیاده راه بوعلی سینا پرداخته شد. طبق بررسی های صورت گرفته در خصوص عواطف مثبت و منفی در مطالعات و پژوهش های گذشته در این پژوهش ۱۶ مؤلفه در عواطف مثبت (سرزندگی، آسایش، فعال بودن احساس لذت، آرامش، غنای حسی، هیجان و علاقه، اعتماد بنفس) و منفی (شرمسار و ناراحتی، عصبانیت و خشم، تحریک پذیری و متخاصم، احساس بی ارزشی، پریشانی، نا امیدی، افسردگی، اضطراب و استرس) که نسبت به دیگر مؤلفه ها مهمتر میباشد مورد انتخاب قرار گرفته است. باید توجه داشت که تمام اطلاعات بدست آمده از این مؤلفه و دیگر مؤلفه هایی که در معادلات

ساختاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند از طریق پرسشنامه ای که بدست استفاده کنندگان از آن محور پاسخ داده شده بدست آمده و در نرم افزار Amos مورد تحلیل قرار گرفته است و از میزان دقت بالایی برخوردار میباشد. در نمودار شماره (۴) متغیرهای پنهان به صورت بیضی در مدل معادلات ساختاری نشان داده میشوند و متغیرهای آشکار به صورت مربع دیده میشوند چهار متغیر پنهان در این نمودار عبارتند از حس شادی، عواطف، عواطف مثبت، عواطف منفی که به وسیله متغیرهای آشکار در مربع مورد سنجش قرار میگیرند. جدول شماره ۵ و ۶ نشان دهنده ضرایب مسیرهای هر یک از متغیرهای آشکار بر متغیرهای پنهان میباشد.

نمودار ۳- مدل معادله ساختاری محور پیاده راه بوعلی سینا



جدول ۲- ضرایب مسیرها در شاخص های مختلف عواطف مثبت جدول

| متغیر پنهان | متغیر آشکار | ضریب مسیر |
|-------------|---------------------|-----------|
| عواطف منفی | اضطراب و استرس | 0.21 |
| | عصبانیت و خشم | 0.41 |
| | احساس بی ارزشی | 0.03 |
| | ناامیدی | 0.06 |
| | افسردگی | 0.45 |
| | پریشان | 0.06 |
| | تحریک پذیر و متخاصم | 0.26 |
| | شرمسار و ناراحت | 0.36 |

۳- ضرایب مسیرها در شاخص های مختلف عواطف منفی

| متغیر پنهان | متغیر آشکار | ضریب مسیر |
|-------------|---------------------|-----------|
| عواطف مثبت | سرزندگی | 0.79 |
| | آسایش | 0.86 |
| | فعال بودن | 0.73 |
| | غنای حسی | 0.08 |
| | آرامش | 0.66 |
| | اعتماد بنفس | 0.64 |
| | احساس لذت | 0.75 |
| | هیجان زده و علاقمند | 0.78 |

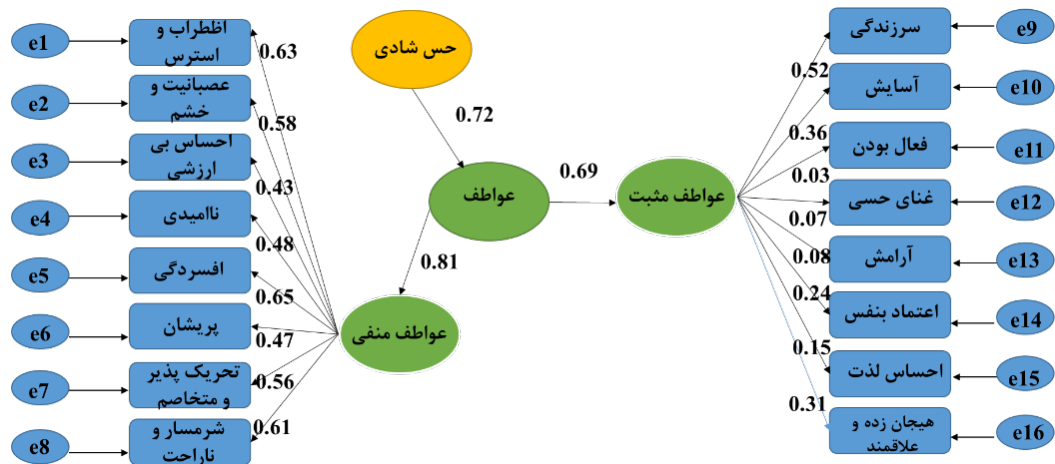
طبق نظر کلاین ۱۹۹۴ قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده بوسیله بار عاملی نشان داده میشود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از 0.3 باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرفنظر میشود. بار عاملی بین 0.3 تا 0.6 قابل قبول است و اگر بزرگتر از 0.6 باشد خیلی مطلوب است. (کلاین، ۱۹۹۴). در نتیجه با توجه به نتایج بدست آمده از مدل ساختاری در پیاده راه بوعلی سینا در مؤلفه تاثیرگذاری عواطف مثبت بر حس شادی مؤلفه آسایش با میزان 0.86 در بالاترین سطح در مقایسه با سایر مؤلفه ها قرار دارد و این موضوع مشخص میکند که میزان آسایش محیطی و احساس آسایش در میان استفاده کنندگان از فضا به میزان قابل قبولی میباشد. و در رتبه دوم میزان تاثیرگذاری عواطف مثبت بر حس شادی در پیاده راه بوعلی سینا مؤلفه سرزندگی با میزان 0.79 قرار گرفته است که این میزان از مؤلفه های سرزندگی و آسایش در عواطف مثبت نشان میدهد که استفاده کنندگان از این فضا احساس آسایش و سرزندگی بالایی در این فضا (پیاده راه بوعلی سینا) دارند. که این موضوع بی درنگ مرتبط با نوع فضا و محیطی که شهروندان در حال استفاده از آن هستند میباشد. همچنین در این آزمون میتوان به مؤلفه های دیگری که در رتبه های بعدی قرار گرفته اند چون (هیجانان و علاقه، اعتماد بنفس، احساس لذت) نیز اشاره کرد. که این مؤلفه ها نیز در نوع خود بسیار با اهمیت و مهم میباشند. به طور مثال مؤلفه هیجان و علاقه که در رتبه سوم این آزمون و تاثیرگذاری بر عواطف مثبت در حس شادی قرار دارد یکی از مؤلفه های بسیار مهم در ایجاد عواطف مثبت در میان شهروندان میباشد. به این صورت که نوع طراحی محیط و فضا میتواند باعث جذب شهروندان به محیط شده و با استفاده از جذابیت محیطی که ایجاد میکند باعث احساس علاقه فرد به محیط شده و در نهایت به ایجاد هیجان در جهت دیدن فضا و زیبایی های آن شود. که این موضوع باعث تحریک فرد در جهت بالاتر بردن عواطف مثبت و در نهایت حس شادی در او شود. همچنین در این بخش علاوه بر بررسی مؤلفه های عواطف مثبت باید مؤلفه های عواطف منفی نیز مورد بررسی قرار گیرند. طبق نتایج بدست آمده از مدل معادلات ساختاری شماره محور پیاده راه بوعلی سینا این پژوهش مشخص گردید که مؤلفه افسردگی با میزان 0.45 در بالاترین سطح خود در مقایسه با سایر مؤلفه های تاثیرگذار بر عواطف منفی در حس شادی در پیاده راه بوعلی سینا شهر همدان قرار دارد و مؤلفه اضطراب و استرس با میزان 0.21 در پایین ترین سطح خود قرار دارد. این موضوع جای کمی بحث دارد که چرا این دو مؤلفه یکی میزان بالا و دیگری میزان پایینی از تاثیرگذاری بر عواطف منفی را در این محور دارد. باید توجه داشت که مؤلفه افسردگی مؤلفه بسیار پیچیده ای است و می تواند حاصل سایر متغیرها نیز باشد و نمی توان علت بالا بودن آن را فقط و فقط نوع محیط و فضایی که در آن حضور دارد دانست هرچند که سوالات طراحی شده فقط مرتبط با این فضا و محور بوده است اما باید دانست که اکثر پاسخ دهندگان احساسات دیگر خود را نیز در خصوص این مؤلفه بروز میدهند. در واقع افسردگی حاصل لحظات و احساسات آنی و لحظه ای نیست به طور مثال میتواند عواملی چون مشکلات خانوادگی و اقتصادی و بیکاری و بیماری و ... داشته باشد. البته باید توجه داشت که بازگو کردن این موارد دال بر بی اهمیتی این مؤلفه در این پژوهش نیست و هرچند که مؤلفه افسردگی مؤلفه ساده ای نیست اما میتوان با استفاده از طراحی محیط تاثیر مثبتی بر آن گذاشت هرچند این تاثیر بسیار ناچیز باشد. این موضوع در مقایسه میزان این افسردگی در محور پاستور کاملا مشخص میگردد. همچنین باید توجه داشت که مؤلفه اضطراب و استرس در این محور در پایین ترین سطح خود در میزان تاثیرگذاری بر عواطف منفی قرار دارد. و این موضوع نیز مشخص میکند که میزان اضطراب و استرس در پیاده راه بوعلی سینا بسیار پایین میباشد و میتواند دلایل کالبدی و فضایی بسیاری چون نبود سواره و راحتی و آرامش در پیاده راه و ساکن بودن و ... داشته باشد.

بررسی میزان عواطف مثبت و منفی شهروندان در خیابان پاستور

طبق بررسی های صورت گرفته در پیاده راه بوعلی سینا در خصوص حس شادی و مؤلفه عواطف مثبت و منفی در این فضا در این مرحله باید به بررسی مورد مطالعه دیگر این پژوهش (محور پاستور شهر همدان) در این خصوص صورت گیرد تا از طریق مقایسه این دو فضا به نتایج مستدل دست یافت. در نهایت طبق نتایج بدست آمده از مدل معادلات ساختاری محور پاستور در محور پاستور مشخص گردید که میزان عواطف مثبت در این محور به شدت پایین بوده و از وضعیت نامناسبی نسبت به پیاده راه بوعلی سینا برخوردار است. به عبارتی دیگر طبق نتایج بدست آمده از مدل معادلات ساختاری محور پاستور مشخص گردید که مؤلفه های عواطف مثبت از میزان بسیار پایینی برخوردار هستند. طوری که بیشترین میزانی که بر عواطف مثبت در این آزمون تاثیر مثبت میگذارد مؤلفه سرزندگی با میزان 0.52 میباشد که میزان بسیار پایینی برای این محور میباشد. همچنین پایین ترین میزان تاثیرگذاری نیز مؤلفه احساس لذت میباشد که در نوع خود جالب میباشد. چراکه این مؤلفه در بررسی های پیاده راه بوعلی سینا هم یکی از پایین ترین مؤلفه ها به لحاظ تاثیرگذاری بر عواطف مثبت بود و این موضوع نشان میدهد که شهروندان و استفاده کنندگان از فضا در هر دو محور احساس لذت نسبت به فضای مورد نظر ندارند و این مهم میتواند تاثیرات منفی بالایی بر حس شادی در شهروندان داشته باشد. که البته این مهم در خصوص محور پاستور شدید تر میباشد. در هر حال باید توجه

داشت که محور پاستور در مقایسه با پیاده راه بوعلی سینا از نظر عواطف مثبت در وضعیت بسیار نامناسبی برخوردار می‌باشد. و این موضوع بی ارتباط با شرایط کالبدی و نوع طراحی دو محور نیست که یکی با راهبرد پیاده محوری (پیاده براه بوعلی سینا) و دیگری با راهبردی صرفا ترافیکی (خیابان پاستور).

نمودار ۴- مدل معادله ساختاری محور پاستور



جدول ۵- ضرایب مسیرها در شاخص های مختلف عواطف منفی

| متغیر پنهان | متغیر آشکار | ضریب مسیر |
|-------------|---------------------|-----------|
| عواطف منفی | اضطراب و استرس | 0.63 |
| | عصبانیت و خشم | 0.58 |
| | احساس بی ارزشی | 0.43 |
| | ناامیدی | 0.48 |
| | افسردگی | 0.65 |
| | پریشان | 0.47 |
| | تحریک پذیر و متخاصم | 0.56 |
| | شرمسار و ناراحت | 0.61 |

جدول ۴- ضرایب مسیرها در شاخص های مختلف عواطف مثبت

| متغیر پنهان | متغیر آشکار | ضریب مسیر |
|-------------|---------------------|-----------|
| عواطف مثبت | سرزندگی | 0.52 |
| | آسایش | 0.36 |
| | فعال بودن | 0.03 |
| | غنای حسی | 0.07 |
| | آرامش | 0.08 |
| | اعتماد بنفس | 0.24 |
| | احساس لذت | 0.15 |
| | هیجان زده و علاقمند | 0.31 |

همچنین در این مرحله باید میزان عواطف منفی نیز در محور پاستور خارج گردد. در نهایت طبق نتایج بدست آمده از مدل معادلات ساختاری شماره (۲) مشخص گردید که میزان عواطف منفی در این محور بسیار بالاتر از این میزان در پیاده راه بوعلی سینا میباشد. به عبارتی دیگر طبق نتایج بدست آمده از این مدل مشخص گردید که مؤلفه افسردگی با میزان 0.65 بالاترین مؤلفه در عواطف منفی میباشد. که همانطور که در تحلیل های گذشته گفته شده این میزان هرچند تنها دلیل آن فضایی که فرد در آن قرار دارد نمیباشد و مؤلفه بسیار پیچیده و بزرگی میباشد اما فضا میتواند در آن تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد ولو ناچیز. این موضوع کاملا با مقایسه این مؤلفه در هر دو مدل ساختاری پیاده راه و محور پاستور مشخص میشود. به عبارتی دیگر در محور پیاده راه بوعلی سینا میزان این مؤلفه در عواطف منفی بسیار پایین تر از این میزان در محور پاستور میباشد و این موضوع اتفاقی نمیباشد. در واقع باید این طور استنباط کرد که فرض بر تاثیرگذاری مثبت و منفی فضای شهری بر عواطف منفی چون افسردگی کاملا صحیح میباشد. همچنین نکته با اهمیت دیگر این است که میزان اضطراب و استرس که یکی دیگر از مؤلفه های با اهمیت در عواطف منفی میباشد نیز میزان بسیار بالایی را نشان میدهد که این مهم نیز در مقایسه با پیاده راه بوعلی سینا بسیار بالاتر و در شرایط نامناسبی در محور پاستور قرار دارد. در واقع باید این طور استنباط کرد که با تغییر شرایط فضا در محور پاستور نسبت به پیاده راه بوعلی سینا از راهبرد پیاده محوری به ترافیکی بر عواطف منفی چون اضطراب و استرس استفاده کنندگان از فضا نیز تاثیر منفی میگذارد و میزان استرس و اضطراب شهروندان را بالاتر میبرد که این مهم میتواند با تاثیر متغیرهایی چون عدم ایمنی پیاده نسبت به سواره در محور پاستور، عدم آسایش محیطی، کمبود فضای پیاده و باشد. همچنین باید توجه داشت که مؤلفه اضطراب و استرس یکی از مؤلفه های بسیار مهم در مسائل مربوط به سلامت روانی شهروندان میباشد که میتواند تاثیرات متفاوتی را بر این موضوع نیز داشته باشد.

همچنین جدول شماره ۶ نتایج معادلات ساختاری متغیرهای پنهان در هر دو محور را نشان میدهد. طبق نتایج بدست آمده عواطف مثبت در پیاده راه بوعلی سینا بالاتر از عواطف منفی میباشد و این موضوع در محور پاستور بالعکس است به عبارتی دیگر عواطف منفی از عواطف مثبت بالاتر میباشد. در واقع جدول شماره ۶ نشان دهنده میزان هر یک از عواطف مثبت و منفی در هر محور میباشد. این موضوع با میزان ضریب متغیرهای پنهان هر یک از محورها که به عنوان متغیرهای اصلی معرفی شده اند نشان داده شده است. در واقع طبق نتایج بدست آمده از مدل معادلات ساختاری (۳ و ۴) مشخص گردید که ضریب مسیر متغیر پنهان (حس شادی) در پیاده راه بوعلی سینا برابر با 0.91 میباشد. که میزان بار عاملی بین متغیر پنهان حس شادی کل عواطف مثبت و منفی در محور پیاده راه بوعلی سینا میباشد. که با مشخص شدن ضریب مسیر (بار عاملی) هر یک از متغیرهای پنهان (عواطف مثبت و منفی) به میزان عواطف مثبت (0.89) و عواطف منفی (0.67) مشخص گردید که میزان عواطف مثبت نسبت به عواطف منفی در این محور بیشتر است. این موضوع در محور پاستور هم مورد بررسی قرار گرفته است که در جدول شماره ۶ مشاهده میشود.

جدول ۶- معادلات ساختاری متغیرهای پنهان

| ضریب | متغیر پنهان | متغیر پنهان |
|------|-------------|-------------|
| 0.91 | عواطف | حس شادی |
| 0.89 | عواطف مثبت | حس شادی |
| 0.67 | عواطف منفی | حس شادی |
| ضریب | متغیر پنهان | متغیر پنهان |
| 0.72 | عواطف | حس شادی |
| 0.69 | عواطف مثبت | حس شادی |
| 0.81 | عواطف منفی | حس شادی |

نتیجه گیری

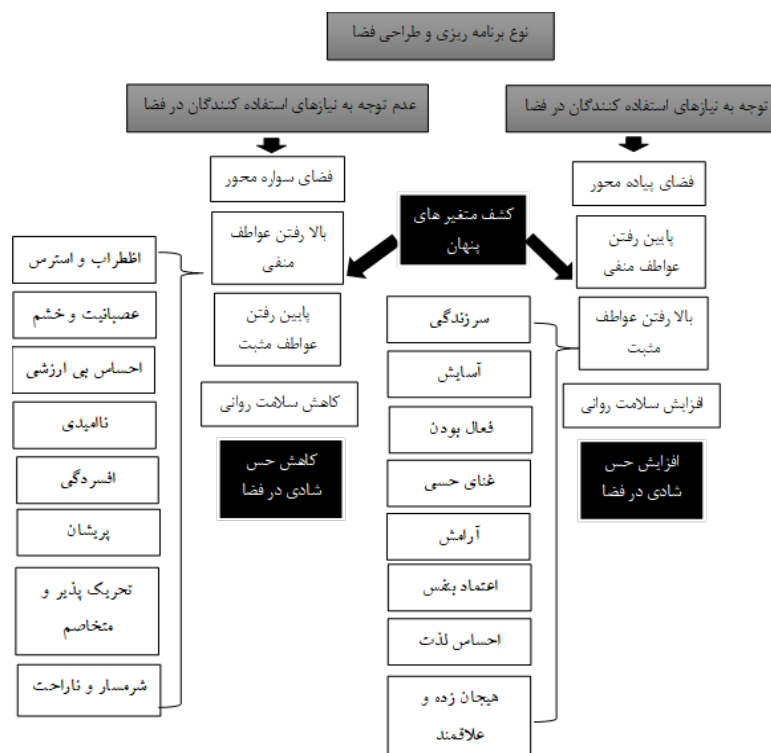
پژوهش حاضر با استفاده از بررسی میزان تاثیرگذاری هر یک از عواطف مثبت و منفی در حس شادی شهروندان سعی داشت تا با شناسایی متغیرهای با اهمیت در این دو مؤلفه بر بهبود حس شادی شهروندان در فضا کمک کرده و گامی مثبت در این زمینه برداشته شود. باید توجه داشت که این پژوهش از نظر نوع بررسی (عواطف مثبت و منفی) و مقیاس کار (دو محور شهری) و عملکردی (پیاده راه و ترافیکی) با دیگر پژوهش های صورت گرفته شده متفاوت میباشد. و از این نظر میتواند گام مثبتی در برنامه ریزی شهری و طراحی شهری برداشته شود. در

واقع نوآوری این پژوهش در دو بعد صورت گرفته است. اول از نظر نوع بررسی و دوم روش تحقیق که در بعد بررسی باید گفت که کمتر مطالعاتی عواطف مثبت و منفی را کاملاً مورد بررسی قرار داده و همچنین در بعد روش تحقیق نیز تمامی روابط آن را که از طریق متغیرهای پنهان صورت میگیرد را از طریق مدل معادلات ساختاری (SEM) مورد بررسی و کشف قرار داده است که این موضوع در مطالعات گذشته دیده نشده است که این مهم میتواند گامی روبه جلو نسبت به مطالعات گذشته بحساب آید.

طبق نتایج بدست آمده در این پژوهش مشخص گردید که میزان عواطف مثبت در پیاده راه بوعلی سینا نسبت به محور پاستور بسیار بالاتر بوده این موضوع در مدل های ساختاری صورت گرفته در این دو محور کاملاً مشهود است. طبق نتایج بدست آمده از مقایسه این دو محور مشخص گردید که دلیل بالاتر بودن عواطف مثبت در پیاده راه بوعلی سینا نسبت به خیابان پاستور تفاوت در میزان متغیر های وابسته به عواطف مثبت در این دو محور است. به عبارتی دیگر متغیرهای عواطف مثبت چون (سرزندگی، آسایش، فعال بودن، احساس لذت، آرامش، غنای حسی، هیجان و علاقه، اعتماد بنفس) در محور بوعلی سینا نسبت به پاستور نسبت بالاتری را نشان میدهند و نسبت به هم نتایج بسیار متفاوتی را نشان میدهند. این نسبت در محور پاستور بسیار ضعیف تر از پیاده راه بوعلی سینا میباشد. به طور مثال متغیر آسایش با میزان 0.86 در پیاده راه بوعلی سینا میزان بسیار بالایی را نشان میدهد اما در محور پاستور این میزان به مقدار 0.36 کاهش یافته است و یا در متغیر احساس لذت که یکی از متغیرهای بسیار با اهمیت در القاء حس شادی به شهروندان است در پیاده راه بوعلی سینا نسبت به محور پاستور بسیار متفاوت و بالاتر میباشد. دلیل این موضوع بی ارتباط با نوع فضایی که استفاده کنندگان و شهروندان در ارتباط با آن هستند نمیشود. در واقع این نوع طراحی و برنامه ریزی فضا ست که میتواند حس شادی را از شهروندان بگیرد و یا منتقل کند. این موضوع با مقایسه دو محور که تقریباً در یک موقعیت در شهر همدان قرار گرفته اند مشخص میکند. که یکی با راهبرد پیاده محوری (پیاده راه بوعلی سینا) و دیگری با رویکرد صرفاً ترافیکی (محور پاستور) برنامه ریزی و طراحی شده اند. به عبارتی دیگر شهروندان با حضور در پیاده راه بوعلی سینا احساسات متفاوتی نسبت به محور پاستور از خود بروز میدهند. این مهم با استفاده از مقایسه آزمون های دو محور مشخص گردید. در واقع شهروندان در پیاده راه بوعلی سینا احساس سرزندگی، آسایش، احساس لذت، هیجان و علاقه، اعتماد بنفس بالایی را دارند در حالی که این احساسات در محور پاستور بسیار پایین تر میباشد. همانطور که گفته شد دلیل این مهم در نوع فضای مورد استفاده شهروندان میباشد پیاده راه بوعلی سینا با حذف سواره از فضا و تامین امنیت اجتماعی و محیطی و بهبود خدمات و امکانات و ایجاد جذابیت های محیطی در جهت افزایش تراکم جمعیتی در این محور تاثیر گذاری مثبتی را بر عواطف مثبت استفاده کنندگان خود داشته در حالی که این موضوع در محور پاستور کاملاً برعکس میباشد این محور با تاکید بر ترافیک محوری و کمبود فضای پیاده و کاهش جذابیت محیطی برای استفاده کنندگان تاثیر زیادی را بر عواطف مثبت نداشته است. این موضوع در خصوص عواطف منفی طبق بررسی های صورت گرفته نیز کاملاً مشهود میباشد. این موضوع با مقایسه معادلات ساختاری دو محور مشخص گردید که متغیر های این عواطف چون (شرمسار و ناراحتی، عصبانیت و خشم، تحریک پذیری و متخاصم، احساس بی ارزشی، پریشانی، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و استرس) در محورهای پیاده راه بوعلی سینا نسبت به محور پاستور بسیار کمتر و سطح پایین تری را نشان می دهد. به طور مثال متغیر اضطراب و استرس در پیاده راه بوعلی سینا با میزان 0.21 بسیار سطح پایین تر و کمتر از این میزان در محور پاستور با مقدار 0.63 میباشد. به عبارتی دیگر این میزان از متغیر اضطراب و استرس در محور پاستور کاملاً مرتبط با شرایط فیزیکی فضا میباشد. باید توجه داشت که فضای محور پاستور یک فضای ترافیکی ست و بیشتر محیط به سواره اختصاص یافته و سطح ایمنی پیاده را به شدت پایین آورده است و این موضوع تاثیر زیادی را بر سطح اضطراب و استرس در استفاده کنندگان از فضا میگذارد. همچنین عوامل دیگری چون نبود امکانات و خدمات مورد نیاز برای پیاده ها و کمبود فضای سبز و محیط آرامش بخش در فضا تاثیر زیادی را در جهت منفی بر میزان و سطح استرس و اضطراب شهروندان دارد. همانطور که گفته شده نوع برنامه ریزی و طراحی محیطی تاثیر زیادی را در انتقال عواطف مثبت و منفی بر استفاده کنندگان از آن فضا و در نهایت انتقال حس شادی دارد. در واقع در این پژوهش مشخص گردید که هر چه فضا در راستای پیاده محوری و بهبود فضا در جهت بردن کیفیت و جذابیت محیطی برای استفاده کنندگان خود گام بردارد سریع تر و کامل تر میتواند حس شادی را به شهروندان منتقل کند و هر چه فضا در راستای رویکردهای صرفاً ترافیکی و بی توجه به فضاهای پیاده باشد نه تنها حس شادی را منتقل نمی کند بلکه در انتقال عواطف منفی نیز گامی روبه جلو بر میدارد. این موضوع در مقایسه دو آزمون صورت گرفته در هر دو محور کاملاً مشخص است. اگر دو آزمون مربوط به بررسی میزان عواطف منفی شهروندان در محورها را به طور کلی تر نگاه کنیم مشخص است که میزان انتقال عواطف منفی در محور پاستور بسیار بالاتر از این میزان در پیاده راه بوعلی سینا میباشد. به عبارتی دیگر نوع برنامه ریزی و طراحی محور پاستور با تمرکز بر رویکرد صرفاً ترافیکی و بدون توجه به عملکرد این محور (تجاری) در جهت بالا بردن انتقال عواطف منفی چون (شرمسار و ناراحتی، عصبانیت و خشم، تحریک پذیری و متخاصم، احساس بی ارزشی، پریشانی، ناامیدی، افسردگی، اضطراب و استرس) گام برداشته و این موضوع بسیار تاسف بار است که مدیریت شهری به این

مساله و تاثیراتی که این رویکرد بر شهروندان و استفاده کنندگان از محیط می‌گذارد بی‌توجه می‌باشد. باید توجه داشت که عواطف منفی و مثبت میتوانند تاثیرات بسیار زیادی بر میزان سلامت روان جامعه و کاهش و یا افزایش معضلات اجتماعی و دیگر مسائل مربوط به اجتماع و جامعه گذارد و این موضوع به انتقال حس شادی از طریق فضا به شهروندان بر میگردد و باید گفت که انتقال حس شادی از طریق برنامه ریزی و طراحی محیط به شهروندان بسیار با اهمیت میباشد. وینهوون معتقد است رابطه محکمی بین ایمنی روانی و تأمین قانونی وجود دارد که به طور گسترده‌ای مستقل از رفاه اقتصادی است (Veenhoven, 2006: 17). در نهایت میتوان این موضوع را با استفاده از یک نمودار در این پژوهش نشان داد:

نمودار ۳- نوع برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری و توجه به بعد عاطفی در ایجاد حس شادی



پیشنهادهای

- ✓ استفاده از رویکرد پیاده محوری در محورهای شهری و نه صرفا پیاده راه بلکه با توجه به ظرفیت و امکانات موجود در محور
- ✓ توجه به نیازهای پیاده و خدمات مورد نیاز در محورها و فضاهای شهری
- ✓ توجه بیش از پیش به جذابیت های فضایی و بصری در فضا در راستای جذب شهروندان به محیط
- ✓ استفاده از لبه های نرم و فضاهای سبز و باز در محورها در جهت بالا بردن عواطف مثبت و در نهایت انتقال حس شادی به شهروندان
- ✓ توجه به ایمنی و امنیت پیاده در مقابل سواره و کاهش اضطراب و استرس استفاده کنندگان از فضا در راستای کاهش عواطف منفی
- ✓ برنامه ریزی و طراحی محیطی در راستای برانگیختن هیجانها و احساسات در استفاده کنندگان از آن فضا از طریق طراحی های سه بعدی در فضا، استفاده از آب نما، موسیقی، مسابقه و نمایش و ... در فضا

منابع

- اعزازی، ش. (۱۳۸۹) جامعه شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران. روشنگران و مطالعات زنان.
- آرگایل، م. (۱۳۸۳)، روانشناسی شادی، ترجمه: فاطمه بهرامی و دیگران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- اسفندیاری، م. (۱۳۹۳). روانشناسی محیط و معماری منظر. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اتکینسون، ر.، نولن هوکسما، س.، بم، د.، اسمیت، ا. و اتکینسون، ر. (۲۰۰۳) زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه رضا زمانی، مهرداد بیک، بهروز بیرشک، محمدنقی برهنی، مهرناز شهرآرای، انتشارات رشد، ۱۳۹۸.

- بخشی پور، ع. و دژکام، م. (۱۳۸۴)، تحلیل عامل تاییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی، فصلنامه روانشناسی، سال نهم، شماره ۴، ص. ۳۶۵-۳۵۱.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- صفری شالی، ر. (۱۳۸۷)، بررسی عوامل نشاط انگیز در بین جوانان استان قم و ارائه فرهنگ نشاط و امید در بین جوانان، به نمایندگی دانشگاه آزاد اسلامی، قم
- صفاری نیا، م.، معماری، ح. و بهشتی مقدم، ا. (۱۳۹۲). روانشناسی شهر. آوای نور، تهران، چاپ اول.
- علی، ا.، سریه ع. (۱۳۹۸)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۲.
- کالات ج. (۱۳۹۵)، روان‌شناسی فیزیولوژیکی، مترجم: یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
- گلکار، ک. (۱۳۸۶)، مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری. مجله صفا. شماره ۴۴، ص ۶۶-۷۵.
- لینچ، ک. (۱۳۷۲) سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- مقدس، ع.ا. و قدرتی ش. (۱۳۹۰). بررسی نقادانه نظریه‌های جامعه‌شناسی عواطف جانانان ترنر، تئودور کمپر و ادوارد لاولر، مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره دوم.
- Ayres, A. J. (1983). *Sensory Integration and the Child*. Western Psychological Services, Los Angeles.
- Aristotle (1995), *The Complete Works of Aristotle, The Revised Oxford Translation*, edited by: Jonathan Barnes, Princeton University Press.
- Averill, J. R. (1983). Studies on anger and aggression: implications for theories of emotions. *American psychologist*, 38, 1145-1160.
- Association AP. *Diagnostic and Statistical of Mental Disorders*. 5th ed. USA: American Psychiatric Association; 2013.
- Bell, W. (1998). "Women and Community Safety". *Safer Communities: Strategic Direction in Urban Planning*, 10-11.
- Brand, N., Hanson, E., Godaert. G., 2000. Chronic Stress Affects Blood Pressure and Speed of Short-Term Memory. *Perceptual and Motor Skills*, Vol. 91, pp. 291-98.
- Bell, S. (1999). *Landscape. Pattern, Perception and Process*. E&FN Spon, New York.
- Bundy, A. C., Lane, S. and Murray. E. A, (2002). *Sensory Integration—Theory and Practice*. F.A. Davis Company, Philadelphia.
- Chrousos, G.P., Gold, P.W., 1992. The concepts of stress and stress system disorders. Overview of physical and behavioral homeostasis. *JAMA*, Vol. 267, pp. 1244-1252.
- Cohen, S., Evans, G. W., Stokols, D., Krantz, D. S., 1986. *Behavior, Health, and Environmental Stress*. New York: Plenum Press. 284p.
- Canham, S. L. (2015). What's loneliness got to do with it? Older women who use benzodiazepines. *Australasian Journal on Ageing*, 34, E7-E12. doi: 10.1016/j.drugalcdep.2014.02.093
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American psychologist*, 55(1), 34.
- Diener E., (1993), *Assessing Subjective Well-Being Progress and Opportunities*, *Social Indicators Research*, Vol. 31, pp. 103-157.
- Fisher, M. L., & Exline, J. J. (2006). Self-forgiveness versus excusing: The roles of remorse, effort, and acceptance of responsibility. *Journal of Self & Identity*, 5, 127-146.
- Fida R, Paciello M, Barbaranelli C, Tramontano C, Fontaine RG. The role of irritability in the relation between job stressors, emotional reactivity, and counterproductive work behaviour. *Eur J Work Organ Psychol*. 2012; 23(1):31-47. DOI: 10.1080/1359432x. 2012.713550.
- Grahn, P, K. Stigsdotter, U. (2010), The relation between perceived sensory dimensions of urban green space and stress restoration, In *Landscape and Urban Planning*, Volume 94, Issues 3-4, Pages 264-275, ISSN 0169-2046.

- Kaplan, S., 1995. The Restorative Benefits of Nature: Toward an Integrative Framework. *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 15, pp. 169–82.
- Kuo, F., Sullivan, W., 2001. Aggression and Violence in the Inner City: Effects of Environment via Mental Fatigue. *Environment and Behavior*, Vol. 33, pp. 543–71.
- Kassinove, H., Sukhodolsky, D., 1997. Self-Reported Anger Episodes in Russia and America: *Journal of Social Behavior and Personality*, 1997, Vol. 12, No. 2. 301-324.
- Lang J., (2000). "Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design"[A. Eynifar, trans]. Tehran: Tehran University Publications. [In Persian].
- Li Ben, Lu Yi. (2009). Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth, Conference on Improving the Human Destiny, 11-12 June, Hong Kong, Lingnan University, 1-17.
- Marchand, A., & Blanc, M. E. (2010). The contribution of work and non-work factors to the onset of psychological distress: an eight-year study of a representative sample of employees in Canada. *Journal of Occupational Health*. 52(3), 176-185.
- Miller NE. I. The frustration-aggression hypothesis. *Psychol Rev.* 1941; 48(4):337-42. DOI: 10.1037/h0055861.
- Minkov M., (2009), Predictors of Differences in Subjective Well-Being across 97 Nations, *Bull*, Vol. 34, pp. 307-320.
- Montgomery, Charles (2013). *Happy City: Transforming Our Lives through Urban Design*. United Kingdom, Penguin Books Ltd Publication.
- Rosemary Kennedy, (2010)" Dimensions of livability: a tool for sustainable cities", SB10 Conference held in April in Madrid, Spain.
- Rastbin, S., Jafary, Y., Daram, Y., Moazezi Mehr, A., (2012). "Relationship between Environmental Qualities and Continuation of Urban Life in Public Realm ", *Baq e Nazar Journal*, 9th time, No.21, summer 2012, [In Persian].
- Selye, H., 1974. *Stress without Distress*, McClelland and Stewart Ltd. Toronto. Canada. p. 171
- Stilgoe, J., 2001. Gone Barefoot Lately? *American Journal of Preventative Medicine*, Vol. 20, pp. 243–44.
- Spielberger, C.D., Reheiser, E. C., & Sydeman, S. Y. Measuring the experience, expression, and control of anger. In H. Kassinove (Ed), *Anger disorders: Definition, diagnosis, and treatment* (pp.49-68). Washington, DC: Taylor and Francis. 1995: 32-44.
- Sennett R., (1974), *the fall of Public Man*, New York, W Norton & Company.
- Seifae, M. (2005). "Utility Study of Urban Public Spaces for Special Social Groups (females) Utilization in Participatory Planning ", Degree of Master of Art in Urban and Regional planning. Department of Urban and Regional Planning School of Art, Tarbiat Modarres University. [In Persian].
- Seligman and Danner, E, M. (2002). "Very happy people". *Psychological science* n.13:81-4.
- Turner, Jonathan. H (2003). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont: Wadsworth.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2002). *Shame and guilt*. New York: Guilford Publications.
- Veenhoven R., (2006), new direction in the Study of Happiness, Retrieved October 2006, from: www.veenhoven.fsw.eur.nl.
- Veenhoven, R. (2000). "The four quality of life". *Journal of Happiness studies*, (1) pp. 1-39.
- Veenhoven, Ruut. (2005). "Apparent Quality-of-Life in Nations: How Long Happy People Live". *Social Indicators Research*. No.71:61-86.
- Zingerle, A. (2000). "Simmel on happiness". *Journal of happiness studies*. No.1, pp. 465-477.